

## بررسی ایده مقاومت در اندیشه امام خمینی (ره)

حمیدرضا حقیقت<sup>۱</sup>، مرضی شیرودی<sup>۲</sup>، بهرنگ قربانی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۰

### چکیده:

وجوب دفاع از سرزمین های اسلامی و مقاومت در مقابل دشمنان مسلمانان و سرزمین های اسلامی یکی از مهمترین آموزه های فقهی و دینی به شمار می رود. بگونه ای که فقها و اندیشمندان اسلامی در همه دوران و البته به انحای مختلف آن را مدنظر داشته اند. زیرا با توجه به منابع دینی و عقلی، جامعه اسلامی به مثابه پیکره واحدی می باشد که مسلمین نمی توانند در قبال تهاجم بیگانگان به سایر مسلمانان، بی تفاوت باشند؛ چنان که خداوند متعال در قرآن کریم با صراحت به حمایت و دفاع از ستمدیدگانی که مورد ظلم قرار گرفته و از وطن و سرزمین خویش اخراج و آواره شده اند، فرمان می دهد. بر همین اساس ایده مقاومت به مثابه یکی از مهمترین ارکان اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) ریشه در سیره پیامبر اکرم (ص) و قیام امام حسین (ع) دارد، با مولفه هایی هم چون؛ ظلم ستیزی، استکبار ستیزی، روحیه جهادی و احیا و تقویت هویت دینی؛ از بدو پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون یاری دهنده ما در مقابله با بسیاری از شرایط سخت و تهاجمی دشمنان ما بوده است. در مقاله پیش رو مهمترین پرسش عبارت است از اینکه: مهمترین مبنا و شاخصه های ایده مقاومت در اندیشه امام خمینی کدام است؟ فرضیه مطرح شده مدعی است: مقاومت در اندیشه امام خمینی شامل مرزبندی دقیق، شفاف، آشتی ناپذیر و درافتادن تهاجمی با دشمن با رویکرد سیاسی است. روش تحقیق در این مقاله توصیفی تحلیلی می باشد.

**واژگان اصلی:** مقاومت، دشمن شناسی، استکبار ستیزی، مرز بندی، امام خمینی (ره)

hamidrezahaghighat@yahoo.com

dshiroody@yahoo.com

ghorbani.behrang@yahoo.com

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی (نویسنده مسئول)

۲. دانشیار گروه علوم سیاسی پژوهشگاه امام صادق (ع)

۳. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی شیراز

ایده مقاومت یکی از مهمترین مباحثی هست که در دوران معاصر از سوی برخی از اندیشمندان و جنبش‌های اسلامی مورد توجه قرار گرفته و آثار و فواید بسیاری برای مسلمانان در پی داشته است. این ایده که ریشه در قرآن کریم و سیره پیامبر اکرم (ص) در تقابل با مشرکین و دشمنان اسلام دارد، مهمترین نمود آن را می‌توان در مقاومت سه ساله مسلمانان در شعب ایطالب نام برد. اما در دوران معاصر با قیام امام خمینی و پیروزی انقلاب اسلامی بود که این ایده بار دیگر در عرصه سیاسی و اجتماعی مسلمانان و جنبش‌های آزادی‌خواه اسلامی بروز و ظهور یافت و منجر به شکل‌گیری محور مقاومت در تقابل با تجاوزات و ستمگری‌های نظام سلطه و متحدان آن به ویژه رژیم صهیونیستی شده است. البته باید توجه داشت که مقاومت در برابر کفر و دشمنان از اصول اساسی اسلام و مورد اتفاق شیعه و سنی می‌باشد. علاوه بر این وجوب دفاع از سرزمین‌های اسلامی از ضروریات فقه اسلامی بوده و ریشه در آیات، روایات و ادله‌های متعدد عقلی نیز دارد. زیرا جامعه اسلامی پیکره واحدی است و مسلمانان نمی‌توانند در قبال تهاجم بیگانگان بی تفاوت باشند، بر همین اساس نیز خداوند در قرآن کریم، با صراحت به حمایت و دفاع از ستم‌دیدگانی که مورد ظلم قرار گرفته، از وطن و کاشانه خویش اخراج و آواره شده‌اند، فرمان می‌دهد. لذا درجایی که ضرورت دارد به مقابله با دشمنان پرداخت؛ مقاومت از کارآمدترین عناصر ایستادگی و پایداری است. آنچه در دوران معاصر به این ایده جذابیت و قدرت فراگیری داده است اندیشه‌های امام خمینی می‌باشد که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی منشا تحولات عظیمی در جامعه جهانی و به ویژه کشورهای اسلامی فراهم آورده است.

آنچه در این مقاله به عنوان "مسئله اصلی" مطرح شده است عبارت است از اینکه ایده مقاومت در اندیشه امام خمینی مبتنی بر چه مبانی و شاخصه‌هایی می‌باشد؟

در پاسخ به این پرسش با توجه به آثار ماندگار حضرت امام و سیره سیاسی ایشان می‌توان گفت: در اندیشه سیاسی امام خمینی ایده مقاومت در قالب استکبارستیزی و مبارزه با شرک و کفر و الحاد بر اساس آموزه‌های قرآنی، مبارزه‌ای مداوم و همیشگی و مربوط به همه اعصار و زمان‌ها است. علاوه بر این بیست اصل بنیادین برای ایده مقاومت در اندیشه حضرت امام ارائه شده است که مهمترین این اصول عبارتند از: «قطع امید از دولت‌های بیگانه»، «سازش ناپذیری در تمامی سطوح و عرصه‌ها»، «فراگیری، همگانی و مردمی کردن مقاومت»، «تأکید بر وحدت کلمه در بین آحاد مردم و

خاصه مسئولان» «باور به هدف الهی مقاومت»، «دشمن شناسی»، «وحدت و تمرکز بر شیطان بزرگ به‌عنوان دشمن اصلی»، «داشتن استراتژی بلند مدت و داشتن استقامت تا نابودی آخرین پایگاه‌های دشمن»، «نگاه تکلیفی و تکلیف‌گرایی به مقاومت»، «تکیه بر ظرفیت‌های داخلی»، «جهانی‌سازی مقاومت و ایجاد جبهه جهانی مقاومت و نگاه فرامکانی و فرازمانی به مقاومت»، «باور قلبی و ایمانی به پیروزی و نصرت الهی»، «داشتن نگاه تهاجمی در عرصه مقاومت و پرهیز از نگاه انفعالی و تدافعی»، «پرهیز از غرور و تفرقه و ناامیدی»، «توجه ویژه به حیل‌ها و دسیسه‌های دشمن»، «تشکیل جبهه حق در برابر باطل»، «باور به عزتمندی در پناه مقاومت»، «ترسیدن از هیاهو و جنجال‌های رسانه‌های دشمن»، «پرهیز از اشرافی‌گری و تکیه بر ظرفیت اردوگاه مستضعفین در جبهه مقاومت».

مهمترین اهداف این مقاله عبارتند از: بررسی مبانی و شاخصه‌های ایده مقاومت در اندیشه امام خمینی (ره). علاوه بر این می‌بایست به ارائه ایده مقاومت به‌عنوان «دکترین مقاومت امام خمینی» برای بکارگیری آن در میان ملت‌ها و گروه‌های اسلامی، نیز از دیگر اهداف این مقاله اشاره داشته باشیم. سایر اهداف عبارتند از: (۱) بررسی جوانب و زوایای پیدا و پنهان ایده مقاومت. (۲) تبیین نقش و جایگاه ایده مقاومت در پیروزی، استقرار و استمرار انقلاب اسلامی.

در این مقاله تلاش می‌شود با بهره‌گیری از روش توصیفی تحلیلی به بررسی ابعاد و وجوه ایده مقاومت در اندیشه امام خمینی (ره) بپردازیم. در واقع روش تجزیه و تحلیل و واکاوی داده‌ها توصیفی تحلیلی می‌باشد و از روش کتابخانه‌ای و ابزار فیش برداری در گردآوری داده استفاده شده است.

## ۱- مفهوم شناسی مقاومت

واژه مقاومت ریشه در فعل ثلاثی مجرد «قَامَ» دارد که در معنی به پا خاستن و برخاستن و نیز پایدار ماندن بکار رفته است. (میرقادری و کیانی، ۱۳۹۱: ۷۰)

مؤلف لسان العرب برای واژه مقاومت، ریشه قوم را بیان کرده که در معنای چیزی را راست و درست کردن (ابن منظور، ج ۱۲: ۵۱۱) آورده است.

فرهنگ معین، واژه مقاومت را در لغت، به معنی ایستادگی و برابری کردن معرفی کرده است و در اصطلاح نیز آنرا در مبادرت به نبرد تدافعی وضعیتی بیان کرده و فرماندهی آنرا موضع مقاومتی معرفی

می‌کند که با تمام قوای خود با همین موضع تدافعی مبادرت به نبرد میکند. بنابراین معنای غالب مقاومت، ایستادگی و پایداری در برابر چیز است که توازن را چه از بعد داخلی و چه خارجی برهم زده باشد (معین، ۱۳۸۹: ۴۲۸۶)

مقاومت «بر وزن مفاعله و به معنای با کسی با هم برخاستن و یا با هم از جا بلند شدن و با کسی ضدیت کردن و نیز ایستادگی و پایداری کردن است». (میرقادری و کیانی، ۱۳۹۱: ۷۰)

در فرهنگهای لغت عربی چهار کاربرد برای این واژه آورده شده است:

- ۱) قَاوَمَ أَعْدَاءَهُ بِلَادِهِ: نَاصَلَ ضِدَّهُمْ، عَارَضَهُمْ بِالْقُوَّةِ: برضد آنان مبارزه کرد.
- ۲) ظَلَّ يَقَاوِمُ الْمَرَضِ: يَصَارِعُ الْمَرَضَ، يُوَاجِهُهُ: در برابر بیماری مقاومت و ایستادگی کرد.
- ۳) قَاوَمَهُ فِي الْمَصَارَعَةِ: غَالَبَهُ: بر او چیره شد.
- ۴) قَاوَمَهُ فِي حَاجَةٍ: قَاوَمَ مَعَهُ فِيهَا: در نیازی با او مجادله و محاجه کرد. (عبدالغنی، ۲۰۰۱ م: مادّة قَامَ

وآذرنوش، ۱۳۸۴ ش: مادّة قَامَ)

بنابراین معنای غالب در واژه مقاومت، ایستادگی و مقاومت کردن در برابر چیزی است که توازن و تعادل را بر هم زده، خواه این عامل درونی باشد مانند امیال نفسانی یا بیرونی، مانند بیماری یا تجاوز و اشغالگری. «در علم صرف عربی آمده است که دو باب «مفاعله» و «تفاعل» برای مشارکت کاربرد دارند که اولی مشارکت یک طرفه و دومی مشارکت دو طرفه را می‌رساند، نکته قابل توجه در فعل «قَامَ» این است که آن فعل تنها در باب مفاعله کاربرد دارد، زیرا پایداری و مقاومت، زمانی به کار می‌رود که یک طرف به دلایلی بر طرف دیگر غالب شود و طرف مقابل می‌بایست در برابر آن از خود پایداری نشان دهد و یک مقاومت یک طرفه به دست می‌آید و به همین دلیل این ریشه در باب «تفاعل» کاربرد ندارد. نکته دیگر هم نشینی حرف «ق» که در تلفظ از حروف قوی بوده، با حرف مد

(۱) است که پایداری و ایستادگی در برابر چیزی را می‌رساند. (میرقادری و کیانی، ۱۳۹۱: ۷۱)

در اصطلاح قرآنی و فرهنگ آن، مقاومت به معنای ایستادگی، به حالتی گفته می‌شود که شخص برای انجام کارها و تحقق اموری اقداماتی را انجام می‌دهد که شامل ایجاد مقتضی و از میان بردن مانع و ایستادگی در برابر فشارهاست. علت این که چنین حالتی را مقاومت یا استقامت می‌گویند، شباهتی است که میان عمل ایستادن از یک سو و حالت ایستادگی و مقاومت وجود دارد؛ زیرا وقتی انسانی بخواهد به بهترین وجه، کاری را انجام دهد و یا بخواهد از خود در برابر دیگری دفاع نماید و یا

حرکتی داشته باشد، به پا می‌خیزد و می‌ایستد و قیام می‌کند.

واژگانی چون قیام، استقامت، مقاومت و مشتقات آن در عربی و ایستادن و ایستادگی و مانند آن در فارسی به عنوان کنایه برای بیان این حالت خاص به کار می‌رود. از این رو، وقتی می‌گوئیم که فلانی مقاومت کرد و یا استقامت ورزید و توانست در برابر فلانی ایستادگی کند به معنای آن نیست که حتماً برپا خاسته و روی پای خودش ایستاده است؛ بلکه به معنای آن است که از مطالب و مقاصد خود دست برنداشته و کوتاه نیامده و مقتضیات تحقق آن را فراهم آورده و با موانع آن مبارزه کرده و در برابر فشار جنگیده است.

لزوماً مقاومت و ایستادگی و استقامت به معنای قیام و ایستادن نیست، بلکه ممکن است فرد نشسته باشد، ولی از مطلب و مقصد و مقصود خود دست برندارد. بنابراین می‌توان گفت که مراد از استقامت، مقاومت و ایستادگی در معنای اصطلاحی آن، استمرار و پایداری بر مطالب، مقاصد، اصول، موضع‌گیری‌ها و مانند آن است (نگاه کنید: زمخشری، اساس البلاغه: ۵۳۸) بی‌آنکه از راه راست منحرف شده و به کژی گراید و از مطالب و مقاصد خود دست بردارد و از مواضع اصولی خود کوتاه آید، بلکه همه تلاش خود را انجام می‌دهد تا مقتضی را تحقق بخشیده و از موانع بگذرد و یا در برابر فشارها مقاومت نماید و عقب‌نشینی نکند. (لغت‌نامه دهخدا، مفردات الفاظ قرآن کریم، راغب اصفهانی، ذیل واژه قوم)

از معنای لغوی مقاومت چنین برمی‌آید که محدود به رویارویی در میدان جنگ نیست و هر نوع مقاومت و پایداری در برابر عوامل برهم زننده تعادل و توازن را شامل می‌شود، با این حال مقاومت، شامل پایداری در برابر هرگونه عامل بیرونی و درونی می‌شود؛ بنابراین مقاومت، یک وجه قتالی نیست، بلکه، یک رویارویی فرهنگی، تبلیغاتی، تربیتی و اخلاقی و سلوکی و اقتصادی و سیاسی و نظامی است. به بیانی دیگر؛ مقاومت، سیاست و سلوکی ممتد است و نه حادثه یا لحظه، بلکه کاری تمدنی و فراگیر و مستمر و متکامل و مستقل در رویارویی با مبارزه طلبی‌ها، دشمنی‌ها و تجاوزگری‌ها یا هر چیز دیگری است که بر هم زننده تعادل و توازن باشد. بر این اساس مقاومت، بر کلیه عکس العمل‌هایی اطلاق می‌گردد که ممکن است به شکل تدابیر اجرایی و بازدارنده باشد و گروه یا سازمان یا فردی در رویارویی با تهدیدها و خطرها و تجاوزهای خارجی یا داخلی با آن روبرو می‌شود. (میرقادری و کیانی، ۱۳۹۱: ۷۱) مفهوم مقاومت، پایداری و دفاع، مفهومی عام در فرهنگ ملت هاست. این مفهوم کاملاً ارزش تلقی می‌شود زیرا یک واکنش غیر ارادی در برابر تهاجم است

(کاکایی، ۱۳۸۰: ۵۵)

مقام معظم رهبری نیز در تبیین معنای مقاومت می‌فرمایند: «معنای مقاومت این است که انسان یک راهی را انتخاب کند که آن را راه حق میدانند، راه درست میدانند، و در این راه شروع به حرکت کند و موانع نتواند او را از حرکت در این راه منصرف کند و او را متوقف کند؛ این معنای مقاومت است.» (بیانات: ۱۳۹۸/۳/۱۴)

در انتها باید به مفهوم مقاومت‌گرایی اسلامی اشاره کرده که بر اساس آن گروه‌های مختلف اسلامی درصدد آن هستند تا از حاشیه به‌سوی مرکز تغییر مکان دهند. به عبارت دیگر، مقاومت‌گرایی اسلامی مبنای حرکت به‌سوی تغییر وضع موجود را فراهم می‌سازد. این امر به معنای تلاش برای بازسازی هویت از دست رفته می‌باشد. روندی که فقط از طریق مقاومت‌گرایی حاصل می‌شود (فزلسلفی؛ فرخی، ۱۳۹۲: ۱۵۵).

## ۲- حوزه‌ها و شاخص‌های مقاومت در اندیشه امام خمینی(ره):

### ۲-۱- حوزه‌های مقاومت

در ابتدا لازم است بدانیم اندیشه حضرت امام ریشه در نگاه دینی ایشان، عمل به تکالیف الهی و تحقق اصول و آموزه‌های اسلامی دارد. لذا مهمترین مبنای اندیشه فکری ایشان در راستای تحقق دعوت جوامع به پایداری و مقاومت در تقابل با ظلم و استکبار، به مثابه یک فریضه الهی می‌باشد. حضرت اما در دعوت به مقاومت دو حوزه را از هم تفکیک می‌کند؛ (۱) مقاومت در برابر دشمن درونی و پایداری برای حفظ ارزش‌هایی چون وحدت، عدالت و (۲) دفع دشمن بیرونی و قیام در راستای صیانت از دین خدا.

در باب حوزه اول (دشمن درونی) می‌فرمایند: «همه چیز در این قیام لله است... اجتماعی و انفرادی قیام لله بکنید. انفرادی برای وصول به معرفت الله، اجتماعی برای وصول به مقاصد الله.» (صحیفه‌ی امام، ج ۱۸، ص ۱۲۶)؛ چون انسانی که خلیفه... است با عدم مقاومت در برابر قوای «شهوة و غضب از مسیر صحیح و سعادت منحرف شده که قوای شهوة و غضب با صفات شیطانی ای چون کذب و خدیعه و نفاق و نمیمه» ایجاد و اداره می‌شود که اصول «مفسدات و مهلکات» از همین قوای شیطانی برمی‌خیزد و «پس از رسیدن به حد رشد و بلوغ یک حیوان عجیب و غریبی شود که در هریک از شئون مذکوره گوی سبقت از سایر حیوانات و شیاطین ببرد و از همه قویتر و

کاملتر در مقام حیوایت و شیطنت شود.» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ص ۳) بنابراین انسان با تربیت صحیح و مقاومت در برابر قوای شهویه است که به کمال مطلق می رسد. به کمال مطلق اگر رسید، این طمانینه برایش حاصل می شود. چون اطمینان قلوب، رسیدن به خداست. پس انسان می بایست از صراط مستقیم و مسیر انسانیت خارج نشود که در غیر این صورت «حیوانی» از همه حیوانات بالاتر شود. قوه غضب و شهوت انسانی عالم را آتش زند و بنیان جهان را فرو ریزد و سلسله موجودات را به باد فنا دهد و اساس تمدن و تدین را منهدم کند.» (همان، ص ۱۳)

بنابراین تحقق هدف انسان‌سازی اسلام در گرو عمل به تکالیفی است که بنا به فرمایش امام (ره) در «قیام لله» خلاصه می‌گردد؛ قیام جهت خودسازی برای خدا. «باید وارد مجاهده با قصد خالص شد البته آن وقت است که نفس اصلاح می‌شود» (چهل حدیث، ص ۹۷)

در باب مقاومت بیرونی و قیام در راستای صیانت از دین خدا نیز ایشان مجرای دعوت را، در آگاه نمودن مسلمین از تقابل اسلام ناب با اسلام آمریکایی، با اسلام واپسگرا و با اسلام ساختگی منفعت-طلبان قرار داده است و تنها رمز استیلا و پیروزی مسلمانان در تمامی زمینه‌ها را، مقاومت معرفی می-نمایند. «نقشه، سیطره صهیونیسم بر دنیای اسلام و استعمار بیشتر منابع سرشار کشورهای اسلامی می‌باشد و فقط با فداکاری و پایداری و اتحاد دولت‌های اسلامی می‌توان از شر این کابوس سیاه استعمار رهایی یافت» (صحیفه امام، ج ۳، ص ۲).

با توجه به مباحث فوق رویکرد امام به مقاومت در دو حوزه معرفتی شاخصه‌های ایجابی و شاخصه-های سلبی قابل تبیین است. تحقق عدالت اجتماعی، ایجاد وحدت و همدلی، استقلال طلبی، اجرای احکام دینی از مهمترین شاخصه‌های ایجابی مقاومت برای غلبه امت اسلامی بر چالش‌ها و موانع پیش رو برشمرده است. در بیان شاخصه‌های سلبی مقاومت نیز می‌بایست به هر آنچه که در تقابل با تصور و آموزه‌های دینی دارد و نفی آنها اشاره کرد. حضرت امام، معتقد است ریشه تهدیدات مقاومت اسلامی در اسلام آمریکایی خلاصه می‌شود. اسلامی که اهدافش در اشرافی‌گری، تحجرگرایی و استعمارطلبی معنا می‌یابد.

## ۲-۲- شاخصه‌های سلبی و ایجابی مقاومت :

### (۱) عدالت طلبی:

همواره وجود بحران و چالش‌های عدیده دستاویزی برای کفّار در مورد نفی عدالت در این جهان بوده است، از این نظر بدون مقاومت در برابر دشمنان مؤمن به جایی نمی‌رسد و در راه تحقق

عدالت باید مقاومت اسلامی را سرلوحه عمل قرار داد. (برگزیده تفسیر نمونه، ج ۵: ۲۰۳) زیرا حق مقاومت، ناشی از اصل عدالت است. (دائرة المعارف فقه مقارن، ۱۳۸۵، ج ۱: ۶۳۹)

لذا مادامی که همه مردم جهان در برابر اصول عقل و عدالت تسلیم نشده، و زور و قدرت بر روابط ملل دنیا حکومت می کند، این احتمال وجود دارد که جامعه اسلامی مورد تهاجم بیگانه قرار گیرد، از این رو اسلام به مقاومت دستور می دهد؛ لذا مسلمانان باید آمادگی کامل خود را برای دفاع از خویش حفظ کنند؛ قرآن دستور صریحی در این باره دارد و در یک جمله کوتاه همه مطالب لازم را بیان فرموده: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ؛ هرگونه نیرو و قدرت که ممکن است برای مقابله با هجوم دشمنان آماده و مهیا سازید». (سوره انفال؛ آیه ۶۰)

امام خمینی (ره) هدف اساسی خود را برقراری عدالت اسلامی معرفی کرده و می فرماید: «اینجانب با کمال تواضع، دست خود را به طرف تمام جناح‌هایی که در خدمت اسلام هستند دراز می‌کنم، واز همه استمداد می‌کنم که در راه بسط عدالت اسلامی که یگانه راه سعادت ملت‌هاست کوشا باشند» (صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۱۸). همچنین در جای دیگر می فرماید: «عدالت اسلامی را می خواهیم در این مملکت برقرار کنیم... یک همچو اسلامی که در آن عدالت باشد، اسلامی که در آن ظلم هیچ نباشد، اسلامی که در آن شخص اول با آن فرد آخر همه علی السواء در مقابل قانون باشند.»

## ۲) استکبار ستیزی:

از جمله مؤلفه‌هایی که بایسته است در زمینه مسئله مقاومت به آن اشاره شود، استکبارستیزی است استکبارستیزی امام خاستگاهی فطری - انسانی و معنایی قرآنی دارد و در عین حال کارکردی مبارزاتی و انقلابی. اساساً مبارزه با ظلم و نفی استکبار، از اصول اساسی اندیشه مبارزاتی حضرت امام بوده و همواره مورد تاکید قرار گرفته است. ظلم زدایی و مبارزه با استکبار به عنوان یک مسئولیت دینی - سیاسی، جدی ترین آثار را در قیام ملل مستضعف علیه نظام ظالمانه حاکم بر جهان از خود به جای گذاشته است. امام سلامت و صلح جهان را بسته به انقراض مستکبرین می داند و می فرماید: تا این سلطه طلبان بی فرهنگ در زمین هستند مستضعفین به ارث خود که خدای تعالی به آنها عنایت فرموده است نمی رسند.

حضرت امام خمینی (ره) از آغاز نهضت اسلامی به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، همواره در بیانات و نوشته‌های خود، بر حمایت از محرومان و مستضعفان تأکید می‌کرد: «ملت آزاده ایران اکنون از ملت‌های مستضعف جهان در مقابل آنهایی که منطقتشان توپ و تانک و شعارشان سرنیزه است،



کاملاً پشتیبانی می‌کند. ما از تمام نهضت‌های آزادی‌بخش در سرتاسر جهان که در راه خدا و حق و حقیقت و آزادی مبارزه می‌کنند، پشتیبانی می‌کنیم». (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۲۵۹)

### ۳) نفی ظلم و حمایت از مستضعفین:

مسئله مقاومت اسلامی امروز برای ما مسلمانان به ویژه شیعیان به صورت یک الگو و برنامه جهت قیام در برابر هر گونه استبداد و زورگویی و ظلم و ستم درآمده است و مهم‌ترین مبنای حمایت از مستضعفین نیز به شمار می‌رود. در همین مورد، امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران می‌فرماید:

«ملت اسلام پیرو مکتبی است که برنامه‌های آن مکتب خلاصه میشود در دو کلمه لا تَظْلُمُونَ وَا لَا تُظْلَمُونَ» (صحیفه نور، ج ۱۴: ۸۱).

امام خمینی (ره) بر این امید بود که با روشنگری‌های خود بتواند ملل مسلمان را بیدار و آنان را از سلطه قدرت‌ها برهاند، لذا تأکید میکردند: «ما امیدواریم که همه ملت‌های اسلام با بیداری و با توجه به پا خیزند و این دست‌های فاسدی که میخواهد همه ملت‌های اسلام را در تحت سلطه ابرقدرتها قرار بدهند آنها را سر جای خودشان بنشانند» (صحیفه نور، ج ۱۲: ۲۳۰).

به نظر می‌آید جایگاه قاعده نفی سبیل در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تنها معطوف به خود نبوده است، بلکه این اصل زمینه‌ای برای دفاع از جهان اسلام و به‌طور کلی مستضعفان جهان تبدیل شده و در قالب ظلم‌ستیزی، مبارزه با استکبار جهانی و مواجهه با بی‌عدالتی‌های موجود در عرصه بین‌المللی نمود می‌یابد. امام خمینی (ره) اولین شخصیت فقهی - سیاسی در ایران است که خواهان رهایی مستضعفین از زیر یوغ قدرت‌های سلطه‌گر استعماری است. ایشان اظهار می‌دارند: «ما از تمام کشورهای زیر سلطه (مستضعفین جهان) برای به دست آوردن آزادی و استقلال کاملاً پشتیبانی می‌نماییم و به آنان صریحاً می‌گوییم که حق گرفتنی است. قیام کنید و ابرقدرت‌ها را از صحنه روزگار براندازید من بارها گفته‌ام و هم اکنون هشدار می‌دهم که اگر شرق ستم کشیده و آفریقا به خودشان متکی نباشند، تا ابد گرفتارند. من به آفریقا و شرق زیر سلطه و تمام کشورهای تحت ستم اخطار می‌کنم که متحد شوید و دست آمریکای جنایت کار را از سرزمین‌های خود قطع کنید» (امام همان، ج ۱۲: ۱۴۷).

### ۴) دشمن شناسی و سازش ناپذیری:

امام خمینی (ره) از همان بدو مبارزه علیه حکومت پهلوی روحیه ای دشمن ستیز و سازش ناپذیر

داشت. او هرگز به مذاکره با دشمنان اعتقاد نداشت وی می فرمود: «خمینی را اگر دار بزنند تفاهم نخواهد کرد.»

آنروزی که امریکا از ما تعریف کند باید عزا گرفت، آن روز که کارتر و ریگان (رؤسای جمهور امریکا) از ما تعریف کنند معلوم می شود که در ما اشکالی پیدا شده است.

در واقع ستیز آشتی ناپذیر امام با دشمنان ریشه در هستی شناسی و انسان شناسی وی دارد. لذا هنگامی که امام از امریکا به عنوان شیطان بزرگ یاد می کند، این نامگذاری یادآوری دو نکته ظریف است: ۱. عنوان شیطان سرچشمه تمام ناپاکی ها و رذیلت ها در جهان هستی است ۲. شیطان دشمن آشتی ناپذیر خدا و انسان است و مقابله شیطان با انسان تا روز قیامت ادامه دارد. در حقیقت حضرت امام با این نامگذاری بر وجه آشتی ناپذیری خود با امریکا تأکید می کند و آن را سازش ناپذیری بین اسلام و کفر می داند.

#### ۵) ایجاد وحدت و همدلی:

امام خمینی (ره) نیز در گفتار و کردار خود بر وحدت، همبستگی، همیاری و ایستادگی مسلمانان تأکید می کردند. ایشان به امت اسلامی با تمام مذاهب و مکاتب فکری اش به عنوان یک امت واحد می نگریست و با تسمک به این آیه قرآنی: «وإن هذه أمتكم أمة واحدة وأنا ربكم فاعبدون»، «إن الذین فرقوا دینهم وکانوا شیعا لست منهم فی شیء». ایجاد وحدت و همدلی را برای مسلمانان جهان مورد تأکید قرار می دادند.

در واقع در منظومه فکری امام حفظ اتحاد جوامع اسلامی در برابر دسیسه‌های دشمن همچون ایجاد دودستگی و رواج فرقه‌گرایی، جز با مقاومتی آگاهانه انجام نمی‌پذیرد. مقاومت برای خدا، در برابر توطئه‌ها و تفرقه‌هاست که حاصلش ایستادگی و طی طریق نمودن تا آخرین مراحل است. بنابراین وحدت امت اسلامی که حاصل مقاومتی برآمده از آگاهی نسبت به اهداف دشمن باشد، سرسخت-ترین دشمنان را نیز به ستوه خواهد آورد. «خودخواهی و ترک قیام برای خدا ما را به این روزگار سیاه رسانده و همه جهانیان را بر ما چیره کرده و کشورهای اسلامی را زیر نفوذ دیگران درآورده... استقامت شما ملت ایران اسباب این شد که شکست نخورید، استقامت موجب شد که اقشار بعضی به بعضی پیوستند» (صحیفه نور، ج ۱، ص ۳-۴)

#### ۶) استقلال طلبی و تکیه بر ظرفیت های داخلی:

حضرت امام خمینی در بیانات خویش بارها اعلام کرده اند؛ «ما می‌خواهیم زندگی فقیرانه داشته

باشیم، ولی آزاد و مستقل باشیم. ما این پیشرفت و تمدنی که دستمان پیش اجانب دراز باشد را نمی‌خواهیم. ما تمدنی را می‌خواهیم که بر پایه شرافت و انسانیت استوار باشد و بر این پایه، صلح را حفظ نماید. ابرقدرت‌ها می‌خواهند انسانیت انسان‌ها را تحت سلطه قرار دهند و ما و شما و هر مسلمانی مکلف است در مقابل آن‌ها بایستد و سازش نکند.» (صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۳۱۳)

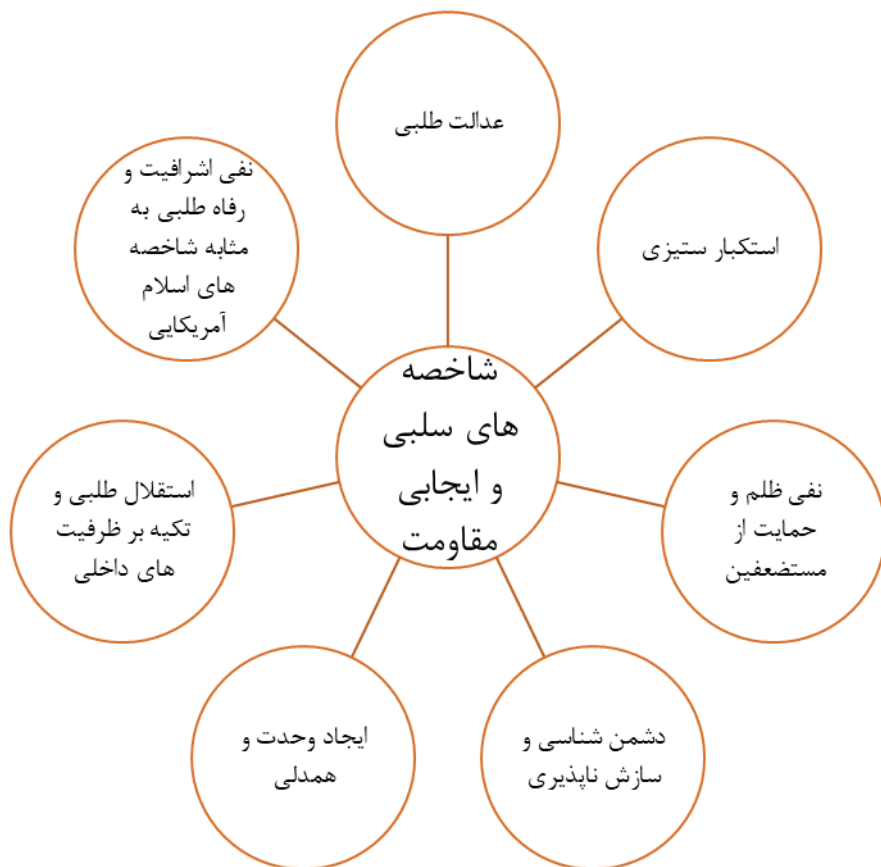
امام در این باره می‌فرماید: عمده این است که ما ذهن این جوان‌ها و حتی پیرها و روشنفکران‌ها را آماده کنیم که ما خودمان آدم هستیم و این طور نیست که در همه چیز دستمان را پیش دیگران دراز کنیم. همچنین می‌فرماید: شما چنانچه باورتان آمده باشد که نمی‌توانید صنعت درست بکنید، و نمی‌توانید صنایع بزرگ و کوچک را و چیزهایی که احتیاج به غرب بوده است، خودتان آن‌ها را درست بکنید... نمی‌توانید که انجام بدهید. اول باید خودتان را درست کنید، اول باید باورتان بیاید که ما هم انسانیم، ما هم قدرت تفکر داریم... اگر این باور برای شما پیدا شد [موفق خواهید بود]. (صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۳۰۷)

#### ۷- نفی اشرافیت و رفاه طلبی به مثابه شاخصه های اسلام آمریکایی:

آنچه را که امام صراحتاً در منافات با مبارزه و پایداری اعلام می‌نماید، رفاه‌طلبی و اشرافی‌گری است که از خصایص اسلام آمریکایی است. ایشان خوی اشرافی‌گری را یکی از مهم‌ترین تهدیدات مقاومت اعلام نموده می‌فرماید: «ملت عزیز ما که مبارزان حقیقی و راستین ارزش‌های اسلامی هستند، به خوبی دریافته‌اند که مبارزه با رفاه‌طلبی سازگار نیست» (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۸۶). تأکید بر حفظ طریقه کوخ‌نشینینی و ساده‌زیستی، انتخاب مسئولین کشور از میان قشر مستضعف و مذمت کارشکنان و صدرنشینان مرفه، حکایت از اعتقاد عمیق امام به این حقیقت است که صیانت از اسلام و انقلاب را جز با جبهه‌ای که هدف را انقلاب، و امکانات را وسیله‌ای جهت وصول به مقصد می‌داند امکانپذیر نیست. چرا که در این صورت می‌توان انتظار ایستادگی ملت را در برابر دشواری و کاستی‌های مبارزه همیشگی حق و باطل داشت. «اشراف و اعیان این طور هستند که تمام ارزش‌ها را به این می‌دانند که آنجایی که زندگی می‌کنند بهتر از دیگران باشد، تمام ارزش‌ها را به قدرت مالی می‌دانستند» (صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۴۴۳). بنابراین امام با نفی اشرافی‌گری و حمایت از مستضعفین جهان، آنان را به جبهه انقلاب دعوت نموده و آن جبهه را از مبارزانی پایدار تشکیل داد و پیروزی و حمایت همیشگی خویش از این قشر را صراحتاً اعلام نمود.

نتیجه آن که در کسب و حفظ استقلال از منظر امام، رکن اساسی، مقاومت است و دستیابی به

استقلال کامل را راهی جز مقاومت در برابر سلطه‌طلبی اقتصادی، فرهنگی و سیاسی بیگانگان نیست.



نمودار ۱: شاخصه های سلبی و ایجابی مقاومت در اندیشه حضرت امام خمینی(ره)

### ۳- اهداف مقاومت بر اساس منظومه فکری حضرت امام(ره)

مقاومت، گونه‌ها و شیوه‌های فراوان - از مجاهدت با نفس گرفته تا مبارزه مسلحانه- دارد، اما به علت وصف کلیت و شمول، هیچ گونه‌ای از آن جایگزین گونه دیگر نمی‌گردد. در واقع مقاومت اساساً در برابر ظلم، تجاوز و اشغالگری، دین ستیزی، سلطه استکبار و متحدان آنها شکل گرفته و هدفش حفظ حقوق، دفع ستم، رفع اشغال، حفظ استقلال، جلوگیری از سلطه و حفظ دارائیها مطابق آموزه ها و احکام دین می باشد. عدالت محوری، ظلم ناپذیری، دفاع از مظلوم و نفی سلطه کفار از جمله مهمترین مؤلفه ها در این چهارچوب می باشند.

امام خمینی معتقد است، چون احکام اسلامی اعم از قوانین اقتصادی، سیاسی و حقوقی، تا روز قیامت باقی و لازم الاجرا است و این بقا و دوام همیشگی احکام اسلامی امکان پذیر نیست، مگر با ایجاد حکومت اسلامی؛ بنابراین می توان گفت که لزوم حکومت به منظور بسط عدالت و تعلیم و تربیت و حفظ نظام جامعه و رفع ظلم و حراست مرزهای کشور و جلوگیری از تجاوز بیگانگان، از بدیهی ترین امور است [بنابراین؛ قیام و مقاومت جهت [حفظ مرزهای کشور اسلامی و جلوگیری از تسلط تجاوزگران بر آن، عقلاً و شرعاً واجب است و این بدیهی ترین نیازهای مسلمانان است. (صحیفه نور، ج ۲: ۲۱۱) و این مهم تحقق نمی گردد، مگر این که ملت خودشان بخواهند.

امام خمینی استدلال می کند که حضور انسان ها در قیام ها و مقاومت امری از پیش ساخته خود انسان نیست، بلکه خداوند سبحان و اسلام از ما می خواهد که در مقابل کفر و زندقه در مقابل ستم و ستمکاران ایستادگی کنیم. بنابراین می فرمایند: «چه بسا افرادی که ابتدائاً در یک امری وارد می شوند، لکن بعضی مشکلات وقتی پیش آمد نمی توانند خوددار باشند، نمی توانند استقامت کنند... تعلیمی که خدای تبارک و تعالی به مسلمین داده است، این است که باید در مأموریت های خودتان استقامت داشته باشید». (همان، ص ۴۶۳)

همچنین می فرمایند: «اسلام می خواهد که در مقابل کفر و زندقه و در مقابل ستم و ستمکاران ایستادگی بکنند». (همان، ج ۱۶، ص ۷۵)

و در جای دیگر هم بر تداوم این تحول روحی تأکید کرده و فرموده اند: قیام شما برای خدا بود، همه فریاد می زدید که ما «جمهوری اسلامی» می خواهیم. برای احکام اسلام قیام کردید. امر اول را که فرموده اند قیام کنید، برای خدا اطاعت کردید؛ باقی مانده است امر دوم... [استقامت]، استقامت کنید، این قیام را حفظ کنید، این تحول روحی که برای شما ملت حاصل شده است حفظ کنید، استقامت کنید،... تا پیروز شوید. (همان، ج ۷، ص ۴۹۳)

#### ۴- ابعاد و اقسام مختلف مقاومت

مقاومت، تمامی عرصه های زندگی اعم از: سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی را در بر می گیرد. هر عرصه ای که نظام سلطه، دین اسلام و مسلمانان و داشته های آنها را مورد تجاوز و تعدی قرار می دهد، عرصه مقاومت را شکل می دهد.

##### ۴-۱- فرهنگ مقاومتی

فرهنگ عبارت است از همه هنجارها، نمونه‌ها، الگوهای رفتاری و نتیجه‌های رفتار آشکار و پنهان که از گروه‌های اجتماعی یاد گرفته می‌شود. این هنجارها و الگوها به همبستگی داخلی و خارجی و قدرت کارکردی یک گروه خدمت می‌کند و راه‌حل خاص و عمومی تجربه‌شده مسئله تطبیق با شرایط اقتصادی، فیزیکی و ... محیط را نشان می‌دهد. (نوریخس، ۱۳۹۰، ۱۷۲)

فرهنگ مقاومت از طریق سازوکارهای یکپارچه ساز و هماهنگ کننده حاصل می‌گردد. شاخصهای قدرت نرم افزاری می‌تواند زمینه‌های لازم برای فرهنگ مقاومت را فراهم کند. کشورهایی که فرهنگ مقاومت را بر اساس مؤلفه‌هایی همانند ایدئولوژی، مشروعیت و انسجام داخلی تنظیم می‌کنند، از قابلیت لازم برای اثرگذاری بر محیط اجتماعی برخوردارند. ولین نشانه فرهنگ مقاومت را باید «انسجام اجتماعی» دانست. کشورهایی می‌توانند در فضای کنش مبتنی بر مقاومت قرار گیرند که از انسجام اجتماعی و ساختاری برخوردارند.

مانوئل کاستلز در عصر جامعه شبکه ای مبتنی بر ارتباطات الکترونیکی نوین، از تقابل شبکه و فرد و از دست رفتن کنترل تدریجی افراد بر زندگی خویش، از ظهور هویت های مقاوم در هئیت جمع های دینی، فرهنگی، ملی، قومی و محلی سخن می گوید. این هویت ناشی از انواع احساس طرد و کنارگذاشته شدگی است که به ایجاد جمعیت ها و جماعت های با گرایش های خاص منجر می شود (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۲-۲۳) «جنبش های معترض و مخالف نظیر زاپاتیست های مکزیک، ملیشیا ای آمریکایی، کاتالان ها در اسپانیا و آئوم شرینکو در ژاپن و نیز جنبش های بنیادگرایی دینی علی رغم تفاوت های اساسی با یکدیگر، پدیداری را ذیل عنوان هویت های مقاومت بوجود می آورند. این هویت ها در برابر سیل بنیان کن شبکه ای شدن عالم در تلاش هستند تا با تکیه بر میراثی که آن را (در صورت و هئیتی که برای خود تصور کرده اند) احیاناً جاودان و لایتغیر به شمار می آورند، حصن حصینی ایجاد کنند» (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۲-۲۳)

حضرت امام خمینی (ره) همواره در تقابل با تهاجم فرهنگی غرب بر استقلال فرهنگی تأکید می کردند، و می فرمودند: «فرهنگ اساس ملت است؛ اساس ملیت یک ملت است، اساس استقلال یک ملت است.» (صحیفه امام، ج ۹، ص ۳۲۰) «هیچ ملتی نمی تواند استقلال پیدا بکند آا اینکه خودش خودش را بفهمد و تا زمانی که ملتها خودشان را گم کرده اند و دیگران را به جای خودشان نشانده اند، نمی توانند استقلال پیدا کنند. کمال تأسف است که کشور ما حقوق اسلامی و قضای اسلامی و فرهنگ اسلامی دارد و این فرهنگ و حقوق را نادیده گرفته به دنبال غرب است. چنان غرب در نظر

یک قشری از این ملت جلوه کرده است که گمان می‌کنیم غیر از غرب، دیگر هیچ چیز نیست. این وابستگی فکری، عقلی و مغزی غربی، منشأ اکثر بدبختیهای ملت‌ها و ملت ما نیز هست و تا این غربزدگی از ملت‌ها و مغزهای ملت زوده شود، وقتی طولانی لازم است. شرق فرهنگ اصیل خود را گم کرده است و شما که می‌خواهید مستقل و آزاد باشید باید مقاومت کنید و باید همه قشرها بنای این را بگذارند که خودشان باشند. باید کشاورزان درصدد باشند که روزی خودشان را از زمین بیرون بیاورند و کارخانه‌ها خودکفا باشند تا صنایع کشورمان رشد پیدا کند.» (صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۴-۵) این بیانات نشان می‌دهد؛ که امام بیش از همه بر تقدم توسعه فرهنگی و ترویج فرهنگ اسلامی تأکید دارند: «شرق یک فرهنگ اسلامی دارد که بلندترین، مترقی‌ترین فرهنگ است. با این فرهنگ اسلامی باید تمام احتیاجاتمان را اصلاح کنیم.» (صحیفه امام، ج ۷، ص ۱۶۰-۱۶۲) لذا فرهنگ مقاومت زمانی به کمال می‌رسد که تمامی جوامع اسلامی به مثابه یک امت واحده در قبال فرهنگ مقاومت عمل کنند و این مهم میسر نمی‌گردد، مگر به واسطه تشکیل یک جبهه واحد مقاومت متشکل از کشورهای اسلامی که به ارزش این مفهوم والا رسیده‌اند.

بدیهی است، مادامی که مسلمانان جهان به ارزش و مفهوم «امت» که یک مفهوم قرآنی و اسلامی است و ملزوماتی از جمله وحدت و مقاومت را در خود دارد، واقف نشده باشند، تشکیل جبهه واحد مقاومت میسر نیست. قدم اول برای تشکیل چنین جبهه‌ای، شناخت ملزومات و سپس محقق کردن مفهوم «امت» قرآنی است.

بنابراین مقاومت فرهنگی عبارتست از پاسداری آگاهانه و منطقی از فرهنگ خودی و برخورد هوشیارانه و هوشمندانه با فرهنگ بیگانه. رمز موفقیت در مقاومت فرهنگی، شناخت فرهنگ خودی و پدیده‌های اصولی و بنیادی آن است. در مقاومت فرهنگی اولویت اصلی با صیانت و پاسداری از عناصر ثابت و لایتغیر فرهنگ خودی می‌باشد که باید آگاهانه و با بصیرت کامل حفظ و حراست شوند. این پاسداری باید مبتنی بر آگاهی مردم و هوشیاری همگانی باشد و تمامی مردم در کلیه صحنه‌های فردی و اجتماعی زندگی خویش، حافظ و نگهبان فرهنگ خودی باشند (مهدی، ۱۳۷۵)

## ۲-۴- مقاومت فردی و اجتماعی

با توجه به اینکه هدفی که برای زندگی انسان تعریف شده یک زندگی فرافردی و فراشخصی است نمی‌توان امید داشت که انسان تنها با مقاومت فردی و شخصی به هدف برسد؛ زیرا براساس

آموزه‌های قرآنی، فلسفه وجودی و حکمت آفرینش انسان به عهده گرفتن مسئولیت خلافت الهی است تا به عنوان مظهر پروردگاری، جهان را بسازد. لذا شکی نیست که انسان نخست باید خود را بسازد و با فعلیت بخشی قوا و مظهریت نمایی از خدا، در مقام متاله و ربانی، خلیفه‌گری کند. پس لازم است که هم مقتضیات را تحقق بخشد و هم موانع را بردارد. از این رو عبادیات و تقوا و ایمان و اعمال صالح، به عنوان مقتضی و مانع زدایی عمل می‌کند و انسان با اینها خود را تزکیه کرده و همچنین کمالات را در خود آشکار می‌کند، اما این به تنهایی کافی نیست هر چند امری لازم است. بنابراین هر انسانی در دو شکل می‌بایست به اصل مقاومت و استقامت توجه کند: ۱. شکل فردی؛ ۲. شکل اجتماعی، به این معنا که هم خود را بسازد و هم در برابر موانع و فشارهای هواهای نفسانی درونی و هم وسوسه‌های شیطانی بیرونی مبارزه و مقاومت کند و هم به دیگران یاری رساند تا مقاومت پیشه کنند.

انسان‌ها در دنیا افزون بر اینکه زندگی جمعی دارند و در کنار هم زندگی می‌کنند، یک زندگی اجتماعی هم دارند؛ زیرا این گونه نیست که مانند یک گله در کنار هم قرار گیرند و هر یک به تنهایی بتوانند نیازهای خود را برآورده سازند، بلکه نیازمند زندگی اجتماعی است تا بتواند انواع و اقسام نیازهای عاطفی، جسمی، مادی و معنوی خود را برآورده سازد. لذا همان گونه که انسان نیازمند یک مقاومت فردی است نیازمند یک مقاومت اجتماعی هم می‌باشد تا بتواند در چارچوب فلسفه زندگی اسلامی، اهداف و مقاصد و مطالب فردی و اجتماعی را برآورده ساخته و در مسیر درست آفرینش گام بردارد.

خداوند در آیه ۴۶ سوره سبا می‌فرماید: قل انما اعظکم بواحدہ ان تقوموا لله مثنی و فرادی؛ بگو من فقط به شما یک اندرز می‌دهم که دو به دو یا به تنهایی برای خدا قیام کنید و به پا خیزید.

امام در ضرورت همکاری مردم در اداره مملکت بر حسب وظیفه الهی می‌فرماید: «تا همه با هم نباشند، همه با هم دست به هم ندهند، نمی‌شود این کارها انجام بگیرد. و این وظیفه انسانی ماست، وظیفه الهی ماست که کمک کنیم، همه به هم، معاونت کنیم همه با هم تا بلکه ان شاءالله کارها اصلاح بشود». (صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۳۵۲) «در اسلام و پیش من رهبری مطرح نیست، برادری مطرح است. خدای تبارک و تعالی در قرآن می‌فرماید: «انما المومنون اخوه». «اسلام برادری است برابری است.» (صحیفه امام، ج ۶، ص ۴۴-۴۶)

بنابراین از آنجا که دیدگاه‌های امام پایه و مبنای اسلامی دارد هیچ گونه اختلافی بین انسانها قائل



نیست و تنها ملاک برتری انسانها نزد خداوند را همانا تقوا می‌داند و لازمه پیشرفت و توسعه را وجود وحدت شمرد. «همه مصیبت‌هایی که به یک کشوری وارد می‌شود از روی اختلافاتی که بین آنها هست پیدا می‌شود. اگر یک کشور متحدالکلمه باشد، هیچ ظلمی بر آنها نمی‌تواند وارد بشود» (صحیفه امام، ج ۶، ص ۴۴-۴۶). «ما در سایه آرامش و وحدت می‌توانیم این کشور را به مقاصد عالیه اسلامی برسانیم ... اگر آرامش نباشد کشاورزی نخواهد بود، اگر آرامش نباشد صنعت نخواهد راه افتاد.» (صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۲۸۸) «با اتکال به خدا و با وحدت کلمه و همت فرزندان این آب و خاک همه با هم به بازسازی کشور می‌پردازیم.» (صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۶۸-۲۷۰) «برای ساختن ایران همه ملت باید شرکت کنند، کشاورز در حد کشاورزی، زارع در حد زارع بودن، اهل صنعت در حد صانع بودن و همه اقشار ملت از دوست و غیر دوست گرفته، اینها با هم همکاری بکنند و برادرانه دست به هم بدهند و این خرابه ای که برای ما گذاشتند، از سر بسازند و آبادش کنند.» (همان)

### ۳-۴- سیاست مقاومتی:

همان گونه که گفته شد، توحید و استقامت از نظر قرآن و روایات با هم ملازمه دارند. این امر اختصاص به افراد ندارد، بلکه ساختارها و نظامات مبتنی بر توحید را نیز دربرمی‌گیرد. بر این اساس، اگر نظامی سیاسی زیربنای خود را توحید و حاکمیت الهی اعلام کرد، استقامت بر مبنای توحیدی خود را نیز باید به عنوان یک الزام بیان نماید. نظام جمهوری اسلامی یک نظام توحیدی است. بر این اساس، اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی تصریح می‌کند: جمهوری اسلامی ایران نظامی است بر پایه ایمان به خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او. چون این نظام بر مبنای توحید استوار است، باید هر نوع سلطه‌پذیری و تسلط غیرخدا را نفی کند. (بندج، اصل دوم) و سیاست خارجی خود را بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر قرار دهد. (اصل یکصد و پنجاه و دوم). پس، مقاومت جزء لاینفک این نظام سیاسی است، به گونه ای که ماهیت و هویت این دولت و وجهه متمایز آن با سایر دول خواهد بود.

هرگونه ضعف ساختاری ناشی از فقدان فرهنگ مقاومت، زمینه‌های لازم برای نفوذ گروه‌های

سیاسی ذینفع خارجی را امکان پذیر می سازد. در چنین شرایطی، تهدیدات داخلی نسبت به دولت را نمی توان به طور کامل از نفوذ دولتهای خارجی جدا ساخت و بدین لحاظ مشکلات امنیت داخلی کشورهایی که فاقد فرهنگ مقاومت باشند، افزایش یافته و به گونه مشهودی با سازوکار کنش قدرتهای بزرگ برای کنترل اقتدار سیاسی کشورها پیوند می یابد (بوزان، ۱۳۷۹: ۴۵)

با آغاز جنگ تحمیلی و قدرت طلبی های صدام و حمایت های بی دریغ مستکبران از او، مشی روشن امام (رحمت الله علیه) همواره مبارزه با سران ظلم و سر خم نکردن در برابر ظالمان بود و ایشان پیشنهاد های بزدلانه ای برخی را درباره ای اتمام جنگ نمی پذیرفتند. از نظر امام، دفاع امری است که بر همه کس در حد توان واجب است و برخی پیشنهاد دهندگان سازش می فهمند که «ما اگر سازش کنیم، له می شویم.» (صحیفه ای امام، ج ۲۰، ص ۲۷۱) لذا «ابدأ قضیهی صلح و قضیهی سازش در کار نیست. ما اصلاً مذاکرات نمی کنیم با این ها. این ها برای اینکه فاسد و مفسد هستند و ما با این اشخاص مذاکره نمی کنیم.» (صحیفه ای امام، ج ۱۳، ص ۲۵۲)

از نظر امام (ره)، مبارزه با مستکبران متن اصلی اسلام است. لذا دعوت ایشان به همه ی ملت های مسلمان، بلکه مستضعفان این است که برای شرف خود قیام کنند. ایشان آن ها را به درس آموزی از قیام ملت ایران و پیروزی او فرامی خواندند. (صحیفه ای امام، ج ۱۵، ص ۴۵۲) قیامی که ملتی بدون دست های خالی و بدون اتکای به شرق و غرب آن را به ثمر رساند و ادامه داد.

امام در تبیین سیاست مقاومت در جمهوری اسلامی اسلامی می فرماید: «من به تمام دنیا با قاطعیت اعلام می کنم که اگر جهان خواران بخواهند در مقابل دین ما بایستند، ما در مقابل همه ی دنیای آنان خواهیم ایستاد و تا نابودی تمام آنان از پای نخواهیم نشست. یا همه آزاد می شویم و یا به آزادی بزرگتری که شهادت است می رسیم.» (صحیفه ای امام، ج ۲۰، ص ۳۲۶)

#### ۴-۴ - اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی بنیان نظری برای مدل سازی گونه ویژه ای از اقتصاد است که فعالان خود را برای مواجهه با تحریم ها، بیش از پیش آماده ساخته است. مکانیسم های اقتصادی، فضای کسب و کار، تجارت خارجی، نهادهای مالی و واسطه های و... در اقتصاد مقاومتی مبتنی بر این پیش فرض طراحی می شوند که کشور در تعارض ایدئولوژیک دائمی با نظام سلطه است و هر ضربه اقتصادی از غرب ممکن است در هر لحظه به کشور وارد شود.

حضرت امام خمینی (س) بر استقلال اقتصادی به عنوان یک ضرورت تأکید کرده‌اند؛ تا آنجا که ایشان دستیابی به استقلال اقتصادی حتی با تحمل هزینه اجتماعی محاصره‌ی اقتصادی را سودمند می‌دانند و می‌فرمایند: «این محاصره‌ی اقتصادی را که خیلی از آن می‌ترسند، من یک هدیه‌ای می‌دانم برای کشور خودمان، برای اینکه محاصره‌ی اقتصادی معنایش این است که مایحتاج ما را به ما نمی‌دهند. وقتی که مایحتاج را به ما ندادند، خودمان می‌رویم دنبالش.» (صحیفه‌ی امام، ج ۱۴، ص ۱۱۵ و ۱۱۶) در جای دیگر می‌فرمایند: «...من اعتقاد این است که انسان اگر با هر زحمت و مرارتی زندگی کند و زندگی‌اش مال خودش باشد، مستقل باشد... و نان جو خودش را بخورد... ارزشش صدها مقابل این است که انسان در آپارتمان‌های عظیم بنشیند و دستش پیش دیگران دراز باشد.» (صحیفه‌ی نور، ج ۱۴، ص ۲۸۵) و نیز می‌فرمایند: «من دست و بازوی همه‌ی کسانی که بی‌ادعا و مخلصانه درصدد استقلال و خودکفایی کشورند را می‌بوسم.» (صحیفه‌ی امام، ج ۲۱، ص ۲۳۳) «آیا برای مسلمانان جهان ننگ نیست که با این همه سرمایه‌های انسانی و مادی و معنوی، با داشتن مکتب متری و پشتوانه‌ی الهی، تن به سلطه‌ی قدرتمندانه‌ی مستکبر و دزدان دریایی و زمینی قرن می‌دهند.» (صحیفه‌ی نور، ج ۱۵، ص ۱۲۵) «مسلمین نباید تحت سلطه‌ی کفار باشند. خدای تبارک و تعالی برای هیچ‌یک از کفار، سلطه بر مسلمین قرار نداده است و نباید مسلمین، این سلطه‌ی کفار را قبول کنند.» (صحیفه‌ی نور، ج ۱۶، ص ۳۷)

در مبحث اقتصاد مقاومتی از منظر امام خمینی (ره)، عزتمندی به عنوان یک مبنا، حالتی از اقتصاد است که در این حالت، اقتصاد یک کشور، دارای شرافت، قدرت، غلبه و قهر همراه با سخت کوشی فعالان اقتصادی خواهد بود. در تعامل با مشکلات، حالت نفوذناپذیری به خود می‌گیرد که غلبه پیدا می‌کند، ولی شکست دادن و غلبه کردن بر او آسان نباشد. رعایت کردن این مبنا در تمامی سیاست‌ها موجب عدم تسلط کفار بر جامعه اسلامی می‌گردد.

### نتیجه گیری:

مهمترین معیار و ارزش مقاومت به دلیل ارزش دینی و اخلاقی نهفته در آن است. لذا تعالی و سربلندی انسان از نظر مادی و معنوی و سعادت و خوشبختی فرد و جامعه جز در سایه مقاومت امکان پذیر نیست. و چون بقاء و پایداری دین و دنیا درگروی مقاومت می‌باشد، پس این پدیده، یک ضرورت دنیوی و اخروی به شمار می‌رود. اگر انسان در برابر نفس سرکش و هوی و هوس‌ها و

تجمل‌های دنیوی مقاومت نکند و در راه شناخت خدا و اطاعت از فرمان او با مشکلات به پیکار برنخیزد، هرگز به هدف نمی‌رسد.

از آیات قرآن این معنا استنباط می‌شود که اگر انسان و جامعه‌ای بخواهد به تعالی و کمال برسد می‌بایست سبک زندگی خاصی را اتخاذ کند که او را به مقصد برساند. از آنجایی که فلسفه زندگی اسلامی بر مدار توحید و خلافت الهی انسان در دنیا و آخرت‌گرایی سامان یافته است، سبک زندگی اسلامی نیز بر همین مدار و محور شکل می‌گیرد. از نظر آموزه‌های دینی، انسان در دنیا برای رسیدن به هدف آفرینش هستی و نیز هدف آفرینش انسان باید مدلی از زندگی را در پیش گیرد که بستر فعلیت‌بخشی و ظهور استعدادهای سرشته درونی را فراهم آورد و بتواند در برابر موانع و فشارهای درونی و بیرونی مقاومت کند؛ زیرا از نظر آموزه‌های اسلامی، انسان با آنکه دارای همه توانمندی‌های ذاتی است، ولی می‌بایست آن را در بستر عبودیت و ایمان و عمل صالح به فعلیت رساند.

خط استقامت یا همان مقاومت فعال و سازش‌ناپذیری با مستکبران در تمام عمر حضرت امام و به‌ویژه در سال پایانی عمر مبارک‌شان جاری و ساری است. امام خمینی (ره) با انتقاد از سازش‌پذیران، قویاً معتقد بود برای حفاظت از دین خدا و حفظ عزت مسلمانان و آزادگان، راهی جز مبارزه و استقامت در برابر زیاده‌خواهی‌ها و زورگویی‌های آنان وجود ندارد و راه و مسیر سازش با دست کشیدن از اصول و هویت اسلامی ایرانی‌مان مترادف است. امام راحل به این حقیقت بنیادین و دینی باور داشت که اگر ملتی با ایمان به خدا و درس گرفتن از سیره انبیا و ائمه (ع) قیام کند، تمام سختی‌ها را به جان می‌خورد، اما رفاه مادی زودگذر را به قیمت ذلت در برابر مستکبران نخواهد پذیرفت. چنین ملتی تلاش می‌کند تا روی پای خود بایستد و هر چه بیشتر وابستگی خود را به دشمنان خود قطع نماید.

امام خمینی (ره) با شناخت اهمیت ساماندهی اقتصادی ملی به منظور دستیابی به رشد و توسعه درونزا، جایگاه حرکت به سمت استقلال اقتصادی را همواره مورد تاکید قرار داده‌اند. حضرت امام برای حفاظت از دین خدا و حفظ عزت مسلمانان و آزادگان، راهی جز مبارزه و استقامت در برابر زیاده‌خواهی‌ها و زورگویی‌های آنان را نمی‌بیند لذا معتقد است اگر ملتی با ایمان به خدا و درس گرفتن از مسیر انبیا و ائمه (علیهم السلام) قیام کند، سختی‌ها را به جان می‌خورد، اما رفاه مادی زودگذر را به قیمت ذلت در برابر مستکبران نخواهد پذیرفت. چنین ملتی تلاش می‌کند تا روی پای خود بایستد و هر چه بیشتر وابستگی خود را به دشمنان خود قطع نماید. مسیری که ملت ایران از

مبارزه با نظام شاهنشاهی آغاز کرده و به خوبی در طول مدت دفاع مقدس و دوران بازسازی پس از آن تا کنون طی نموده است و از این پس نیز با همان قطب‌نما و شاخص حرکت خواهد کرد.

## منابع:

۱. قرآن کریم
۲. آذرنوش، آذرتاش، (۱۳۸۴)، فرهنگ معاصر عربی-فارسی، چاپ ششم، نشرنی، تهران.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم لسان العرب، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع دار صادر. چاپ سوم - ۱۵۱۵ ق
۴. امام خمینی (۱۳۷۲) صحیفه نور، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۵. امام خمینی، (۱۳۸۵)، انسان شناسی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، بیروت، دارالقلم. چاپ اول، ۱۴۱۲ ق
۷. بوزان، بری (۱۳۷۹) امنیت نظامی پس از جنگ سرد و نظریه های موجود در زمینه امنیت ملی و روابط بین الملل، مجله: مطالعات دفاعی استراتژیک « زمستان ۱۳۷۹ - شماره ۷.
۸. شفیعی، سمیه سادات (۱۳۹۳). سیری در رویکردهای نظری متاخر به مقاومت، فصلنامه علوم اجتماعی، بهار ۱۳۹۳، شماره ۶۴
۹. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات اسلامی
۱۰. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰) عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، مترجم؛ عبدالاحد علیقلیان، افشین خاکباز. تهران: طرح نو.
۱۱. محسنی نیا، ناصر (۱۳۸۸) مبانی ادبیات مقاومت معاصر ایران و عرب، مجله ادبیات پایداری، سال اول، شماره اول، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه کرمان، کرمان.
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (۱۳۷۴ش) تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامیه، تهران،
۱۳. میرقادری، کیانی (۱۳۹۱)، «مقاله بن مایه های ادبیات مقاومت در قرآن»، دوره ۰۱، شماره ۱، تابستان.
۱۴. نوربخش، جواد، (۱۳۹۰) فرهنگ نوربخش، ناشر: خانقاه نعمت‌اللهی.